



## درزوایای تاریخ

## اولین سفارت دولت روسیه زاری در دربار افغانستان

در ابتدای قرون جدید اوروپائیان در نتیجه اکتشافات علمی و تحولات اقتصادی در صدر استیلای قطعات دیگر جهان برآمدند، بر تکالی ها و اسپانویها درین راه پیشقدم بودند، و بعد از سقوط اعتبار آنها، هالندیها، انگلیسها، فرانسویها و روسها، و اخیراً جرمنیها اینکار را دنبال کردند، در قرن نوزدهم صنایع غرب مرقی تر و جمعیت افزون تر، و لهذا قضیه استعمار و استثمار و مهاجرها مهمتر گردید، انگلیز و فرانسه هم پیشروان این راه بودند. انگلیزها که در اواخر قرن هجدهم در امریکا، کانادا و قسماً جزایر انتیل، و در آسیا قسماً هندوستان، و در اوقیانوسیا قسماً استرالیا را در دست داشتند بعد از مغلوبیت ناپلیون مقداری از مستعمرات فرانسه و هائند را نیز گرفتند، و در اوایل قرن نوزدهم بر حصص افریقا دست یافتند، البته این متصرفات وسیع متقاضی آن بود که بفرض تأمین موصلات، معابر و تنگه های مهم دنیا را بهر قیمتی است بدست آورد و در عین حال منافع این امپراطوری بزرگ تقاضا می کرد که ممالک همجوار متصرفات خودش، مخصوصاً هندوستان را، از قبیل افغانستان و ایران و غیره خواهی نخواهی تحت نفوذ و تاثیر مشروع و نامشروع خویش قرار دهد و حتی المقدور از رشد و ترقیات آنها جلو گیری نماید.

از دیگر طرف دولت روسیه تزاری نیز در آسیای شمالی و مرکزی مشغول پیشرفت گردید، و بتدریج از جبال اورال تا کناره اوقیانوس آرام، و از آبناهی بیرنگ تا حواشی افغانستان و ایران واصل شد. اینست که آتش رقابت استعماری بین دو امپراطوری استعماری مشتمل گردید، و شدت نائره آن، مملکت های حدفاصل چون

افغانستان و ایران و غیره را پاك بسوخت ، این آتش تیز با اشکال مختلفی ، در چنین کشورها سرایت میکرد ، و مثلاً در افغانستان که با آهن و خون را خل میشد ، در ایران بیشتر با استیلای اقتصادی و تجکم سیاسی راه خود را باز میکرد ، تا جائیکه معاهده مشهور ۱۹۰۷ روس و انگلیز بیان آمد.

در هر حال رقابت این دو دولت بزرگ که یکی میخواست هندوستان را حفظ کند و دیگری میخواست آنرا تسخیر نماید ، نظر به حوادث و زمان شکل خود شرا تغییر میداد مثلاً هنگامیکه فرانسه بر ضد انگلیز و روس فعالیت مینمود ، این هر دو بهم نزدیک و غم شریک گردیدند ، و دیپلوماسی بر تانیا از منافع روسیه حتی در ایران حمایت نمود ، آنوقت بر تانیه از افغانستان سوای انسداد نفوذ فرانسه و متحدان ایران ، چیز دیگری نمیخواست ، ولی همینکه فرانسه از بین رفت ، و روس باقیماند ، پالیسی بر تانیه در سدد شد که هیچ نوع ارتباطی بین افغانستان و روسیه برقرار نگردد ، خصوصاً که روسیه بعد از چندین جنگ و صلح ، از اول قرن هجدهم به بعد طبق معاهدات گلستان و ترکمانچای ، کرجستان ، در بند ، باکو ، شیروان ، مشکس ، گنجه ، قره باغ ایروان ، نخجوان ، راباق — کاپیتولاسیون از ایران گرفته ، و آن مملکت را در همسایه گی افغانستان و هندوستان تحت تاثیر و نفوذ عمیق خود قرار دادند . در چنین وقتی افغانستان از یک بحران بزرگ داخلی عبور میکرد ، دولت قدیم سدوزائی منهدم شده بود ، و دولت جدید محمد زائی استقرار نیافته بود ، هرات در دست بقایای خانواده سدوزائی بود ، و برادران بارکزیائی در قندهار کوس خود مختاری مینوختند ، در مشرق افغانستان هم دولت سیکی پنجاب مستحکم شده ، و ولایات مشرقی افغانستان را در طول سواحل سند غصب کرده بود . حکومت مرکزی افغانستان در بین قوتهای مختلفی قرار داشت وقتی که بطرف شرق میدید انگلیس را حلیف و مددگار حکومت پنجاب می یافت ، آن حکومتی که ولایات عمده افغانستان را غصب کرده بود ، و گربغرب متوجه میشد ، دولت روسیه را میدید که با تجاوز ایران در غرب افغانستان هموائی دارد ، معیناً حکومت افغانستان سعی میکرد که قبل از همه حدود طبیعی کشور را در ساحل سند تأمین نماید ، پس در مقابل پالیسی شرق ، از تمایل سیاسی شمال و غرب نسبت به حکومت مرکزی مخالفت نشان نداد ، و خواست انگلیسها را ترغیب نموده ، و ادار سازد که دوستی افغانستان و استرداد

خاکهای شرقی او را از حکومت پنجاب، ترجیح دهد، درحالی که انگلیز طبق معاهده ۱۸۳۱ با رعیت سنگ نمیتوانست و نمیخواست با افغانستان درین راه کمک نماید، اما با عقد یکقرار داد تجارتمی و سیاسی حکومت مرکزی افغانستان را پابند ساخته و از نزدیکی با روسیه برای همیشه ممنوع دارد. در سال ۱۸۳۷ جنگهای سیاسی دولتین روس و انگلیز در افغانستان تشدید شد، از دیگر طرف مقدمات حمله به هرات چیده میشد، معینا حکومت مرکزی افغانستان که با حکومت محلی هرات کینه سیاسی و قبیله وی داشت، خودش را بیعلاقه نسبت بدشمنان هرات نشان میداد و سرداران قندهار بواسطه اعزام تاج محمد خان در طهران، روابط دوستانه با سفارت روسیه برقرار میساخت، درینوقت سفیر روسیه در طهران کنت سیمونچ مردی فعال و متحرکی بود که تاثیر زیادی در حکومت ایران داشت، و او میخواست محمد شاه قاجار بهرات حمله نماید، و دامنه نفوذ روسیه تا سرحدات هند برسد. مستر «الس» سفیر کبیر انگلیز بطهران رفت و سعی بسیاری کرد که از فعالیت کنت سیمونچ بکاهد، ولی موفق نبود. اینست که «لاردا کلند» گورنر جنرال هندوستان سراسیمه گردید، و کاپیتین الگزاندر برنس را بدربار کابل اعزام نمود. الگزاندر برنس مأموریت داشت که قضیه عقد یک معاهده تجارتمی بین دولتین را پیش کشیده، و ضمناً افغانستان را از هر گونه نزدیکی با روس و ایران تحذیر نماید و در عوض یک دوستی تشریفاتی حکومت انگلیسی هند را عرضه نماید. امیر دوست محمد خان برای انعقاد یکقرار داد تجارتمی آمادگی نشان داد، ولی مرام اصلی افغانستان را که استرداد ولایت پشاور بود مطرح ساخت. ولاردا کلند با چنین ادعای مشروع افغانستان موافق نبود.

در چنین وقتی یعنی در دسامبر ۱۸۳۷ نخستین سفارت مختار و فوق العاده دولت روسیه تزاری از طریق طهران وارد پایتخت کابل گردید، و کاپیتین «ویتکوویچ»، بحیث سفیر امپراطوری، اعتماد نامه خود را با مکتوبی از کنت سیمونچ، بحضور پادشاه افغانستان تقدیم کرد. البته سفیر روسیه میتواندست و عده هر گونه کمک و امدادی بدهد که به آمال دیرینه افغانستان - راجع به استرداد خاکهای شرقی او - موافقت داشت، لهذا اولین سفارت روسیه در دربار افغانستان باشعف و پیشانی باز قبول گردید، و بین طرفین در مورد قضایای مربوط موافقت حاصل گردید. در حالیکه

لاردا کلند توسط الگزاندرو برنس، مجدداً امیر دوست محمد خان را مطـلمـ ساخت که باید سفارت روسیه از دربار کابل رد شود، و هیچگونه کمک خارجی پذیرفته نگردد. ولی امیر دوست محمد خان با آنکه یکماه پیشتر از ورود سفارت روس، یعنی در نوامبر ۱۸۳۷ شهر هرات از طرف اردوی قاجاری با وجود افسران روسی، فرانسوی و ایتالوی در محاصره کشیده شده بود، از قبول پیشنهاد لاردا کلند، امتناع ورزید. لهذا الگزاندرو برنس که در ستمبر ۱۸۳۷ وارد کابل شده بود، در اپریل ۱۸۳۸ یعنی پس از هفت ماه اقامت، کابل را ترک گفت، و در عوض، جای او را ویتکوویچ در دربار افغانستان اشغال نمود.

بعد ازین است که جنگ سرد و سیاسی انگلیز و افغانستان، بجنگ گرم تبدیل میشود، و حرب اولین افغان و انگلیز بعمل می آید، در همین زمان و مکان است که رشادت بی نظیر ملت افغانستان در تاریخ جهان، فصل حیرت انگیزی باز میکند باین معنی که هجوم دشمنان قوتمندی را در غرب و شرق مملکت سرکوبی مینماید، و به تن تنها، بدون هیچگونه یار و یارر، و یا کمک خارجی دیگر، از یک طرف حمله قاجاریهارا در طول یکسال، تا داخل ایران عقب میزند، و از دیگر طرف هجوم انگلیسها را در ظرف سه سال و چند ماه، بکلی از بین میبرد. و با اینصورت موجودیت: - و یک افغانستان زنده و زنده را درین ملل و دول عالم اعلام و اثبات مینماید. و اینخود داستان دیگری است که وقت دیگر گفته خواهد آمد.

### م. غبار

باز آی و بکوی فرقتم فرد نگر  
از مرگ دواي درد خود می طلبم

\* \* \*

گریه جات وز مرا  
نالۀ من گریه من  
نالۀ ز دنباله نگر  
گریه بی ناله نگر